

واجباتی که بر هر مسلمان مرد و زن دانستن آن ضروری است

از سخنان:

الشیخ محمد بن سلیمان التمیمی و نواده‌های او

جمع آوری:

الشیخ عبدالله بن إبراهيم القرعاوی

ترجمه:

إسحاق دبیری رحمته

عنوان کتاب: واجباتی که بر هر مسلمان مرد و زن دانستن آن ضروری است
جمع آوری: الشیخ عبدالله بن ابراهیم القرعاوی
ترجمه: إسحاق دبیری رحمته
موضوع: عقاید کلام - مجموعه عقاید اسلامی
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری
منبع: کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.
www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- فهرست مطالب ۱
- مقدمه مترجم ۱
- أصول سه گانه که یادگیری آن بر هر مسلمان زن و مرد واجب است: ۳
- أصل دین مبین اسلام و أساس آن دو چیز است: ۳
- شروط لا إله إلا الله: ۴
- دلیل این شرطها از قرآن و سنت پیغمبر ﷺ: ۴
- نواقض اسلام ۱۳
- توحید بر سه نوع است: ۱۶
- ضد توحید شرک است: ۱۸
- شرک اکبر بر چهار نوع تقسیم می شود ۱۹
- نوع دوم، شرک اصغر که آنرا ریا می گویند ۲۱
- نوع سوم از انواع شرک، شرک خفی است ۲۱
- کفر بر دو نوع تقسیم می شود ۲۲
- نفاق بر دو نوع تقسیم می شود ۲۴
- معنای طاغوت و انواع اصلی آن ۲۵

مقدمه مترجم

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهِ وَأَنْفُسَنَا
وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مِنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مَضِلَّ لَهُ وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ
أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ أَمَا بَعْدُ:

خداوند می فرماید: ﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾ [النساء: ۳۶].

«و خداوند را پرستش کنید و چیزی را با او شریک نیاورید.»

رسول الله ﷺ به معاذ بن جبل رضی الله عنه می فرماید: «هَلْ تَدْرِي مَا حَقُّ اللَّهِ عَلَى
الْعِبَادِ. قَالَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ: أَنْ يَعْبُدُوهُ وَلَا يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا. ثُمَّ سَارَ
سَاعَةً ثُمَّ قَالَ يَا مُعَاذَ بْنَ جَبَلٍ. قُلْتُ لَبَّيْكَ رَسُولَ اللَّهِ وَسَعْدَيْكَ. قَالَ: هَلْ تَدْرِي
مَا حَقُّ الْعِبَادِ عَلَى اللَّهِ إِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ أَنْ لَا يُعَذِّبَهُمْ!»^۱

«آیا می دانی حق خدا بر بندگانش چیست؟ گفت: خدا و رسول خدا بهتر
می دانند، فرمود: اینکه خدا را عبادات کنند و هیچ چیزی را شریک او قرار
ندهند، سپس فرمود: آیا میدانی حق بندگان بر خدا چیست اگر این عمل را
(حق خدا را) انجام دادند؟ اینکه آن‌ها را عذاب ندهد.»

چیزی که در آن هیچ شک و تردیدی نیست اینکه: علم و دانش خدا
شناسی، و عقیده اسلامی، اساس و بنیاد تمامی دانش‌ها بشمار می‌رود،
شایسته آن است که ما تمامی مسلمانان به آن عنایت بهتر و بیشتری داشته

^۱ - متفق علیه.

باشیم تا اینکه به موجب آن اعمال و کردار ما صحیح و نزد باری تعالی مورد قبول باشد، بخصوص در این زمان که جریانات انحرافی و گمراه کننده کفر و إلحاد و تصوف و رهبانیت و جریان قبر پرستی و شرک و بدعت‌ها و مخالفت‌های پیروی از پیامبر ﷺ و سنت او همه جا فراگرفته و تمامی این جریانات خطرناک است اگر مسلمان مسلح به سلاح عقیده صحیح که از قرآن و سنت و فهم سلف و گذشتگان امت محمدی است، نباشد بیم آن می‌رود که این جریانات منحرف و گمراه کننده او را به طرف خود بکشد. به همین دلایل برای مسلمان یادگیری عقیده صحیح اسلام و عنایت و توجه خاص به آن ضروری و لازم است تا در چنگال این جریانات انحرافی و گمراه کننده نیافتیم.

به این سبب ما این کتاب را که: «الواجبات المتحتمات المعرفة علی کل مسلم ومسلمة» «واجباتی که بر هر مسلمان مرد و زن دانستن آن ضروری است» نام دارد، و از سخنان شیخ محمد بن سلیمان التمیمی و نواده‌های او، و جمع و ترتیب شیخ عبدالله بن إبراهیم القرعاوی است، ترجمه کرده و به مسلمانان جهان، بزرگ و کوچک، و پیر و جوان تقدیم می‌داریم. امید است مورد قبول قرار گیرد و آنرا مطالعه کرده نقاط مهم آنرا درک کنند تا در زندگی روز مره خود، دنیا و آخرت کامیاب شوند.

و در پایان از باری تعالی خواهانیم که ما را بر این عمل متواضع اجر و پاداش نیک عطا فرموده آنرا خالصاً مورد رضا و خشنودی خود قرار دهد.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین، وصلى الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

أصول سه‌گانه که یادگیری آن بر هر مسلمان زن و مرد واجب است:

و آن‌ها هم عبارتند از: اینکه بنده خدا، دین پیامبرش محمد ﷺ را بشناسد.

پس اگر به تو گفته شود پروردگار تو کیست؟
بگو: پروردگار من کسی است که تمامی جهانیان را با نعمت‌های خود آفریده و پرورش داده، و اوست معبود و پروردگار من، و غیر از او من معبود دیگری ندارم.

و اگر بتو گفته شود دین تو چیست؟
بگو: دین من اسلام است، و آنهم تسلیم شدن به خدای یکتا و اطاعت از او، و براءت از شرک و مشرکان.

و اگر بتو گفته شود پیامبر تو چه کسی است؟
بگو: محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم، و هاشم از قبیله و طایفه قریش است، از عرب‌هاست، و عرب از نسل و فرزندان اسماعیل بن ابراهیم الخلیل هستند، بهترین سلام‌ها و درودها نثار آنان باد.

أصل دین مبین اسلام و أساس آن دو چیز است:

۱- أمر به عبادت و پرستش خدای یکتا و بی‌همتا، وادار کردن بر آن، و دوستی و خیر خواهی در آن، و کافر دانستن کسی که این دین را ترک و مخالفت آن کند.

۲- برحذر داشتن از شرک در عبادت خدا، و شدت نکیر و مخالفت در آن، و دشمن دانستن کسی که این عمل را انجام می دهد، و کافر دانستن کسانی که شرک می‌ورزند.

شروط لا إله إلا الله:

- ۱- دانستن معنای آن بطور نفی و اثبات.
یعنی (لا إله) نفی تمام انواع عبادت از غیر خدا.
و (إلا الله) اثبات تمام انواع عبادت برای خدای یگانه.
- ۲- یقین: و آنهم عبارتست از اینکه: علم و یقین کامل به آن داشته باشیم، علمی که در آن شک و تردیدی وجود نداشته باشد.
- ۳- إخلاص: همان إخلاصی که مخالف شرک است.
- ۴- راست: همان راستی که با دروغ منافات دارد و مانع از نفاق می‌شود.
- ۵- دوست داشتن این کلمه و آنچه بر آن دلالت دارد و خوشحال بودن به اسلام و توحید.
- ۶- تسلیم شدن به حقوق آن، و آنهم انجام عمل‌های واجب بطور خالص برای خدا و طلب رضای او.
- ۷- قبولی که منافی و مخالف به رد کردن آن می‌باشد.

دلیل این شرطها از قرآن و سنت پیغمبر ﷺ:

دلیل اول: آنهم علم و معرفت به معنای آن: ﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

«پس یقین بدان که معبودی بحق جز خدای یکتا نیست».

و ﴿إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [الزخرف: ۸۶].

«بلکه کسانی (چنین حقی دارند) که آنان دانسته به حق گواهی داده باشند».

﴿وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ یعنی «می دانند با دل هایشان»، آنچه زبان های آن ها با آن نطق کرده است.

عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت می کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ»^۱.

«هرکسی که بمیرد و بداند که هیچ معبودی بر حق غیر از خدای یکتا نیست، به بهشت داخل می شود».

دلیل یقین و ایمان داشتن به آن: خداوند می فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ؕ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحجرات: ۱۵].

«مؤمنان تنها آنانند که به خدا و رسولش ایمان آورده اند، آنگاه شک به دل راه نداده اند و با اموال و جان هایشان در راه خدا جهاد کرده اند. اینانند که راستگویند».

خداوند برای صدق و راستی ایمان شان به خدا و رسول شرط کرده که شک به دل خود راه ندهند، یعنی شک نکنند، زیرا کسی که شک کند از منافقین بشمار می رود.

و از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ لَا يَلْقَى اللَّهَ بِهِمَا عَبْدٌ غَيْرَ شَاكٍّ فِيهِمَا إِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ». و فی روایة: «لَا يَلْقَى اللَّهَ بِهِمَا عَبْدٌ غَيْرَ شَاكٍّ فِيهِمَا فَيَجِبُ عَنِ الْجَنَّةِ»^۱.

«گواهی می‌دهم که معبودی بر حق جز خدای یکتا نیست، و من فرستاده و رسول خدا هستم، هرکسی با این دو گواهی خدا را ملاقات کند، و در آن شکی در دل نیاورد، به بهشت داخل خواهد شد، و در روایتی آمده است: هرکسی با این دو گواهی خدا را ملاقات کند در حالیکه شکی در دل او نباشد، از داخل شدن به بهشت جلوگیری نخواهد شد».

و در جزئی از حدیثی که ابوهریره رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می‌کند آمده است که فرمودند: «...مَنْ لَقِيَ مِنْ وَرَاءِ هَذَا الْحَائِطِ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُسْتَيَقِنًا بِهَا قَلْبُهُ فَبَشَّرَهُ بِالْجَنَّةِ»^۲.

«هرکه را پشت این دیوار ملاقات کردی که گواهی می‌دهد: که هیچ معبودی بر حق غیر از خدای یکتا نیست، در حالیکه دلش متیقن به آن باشد. به بهشت مژده بده».

و دلیل إخلاص در آن: ﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ﴾ [الزمر: ۳].

«آگاه باشید که دین خالص (پاک از ریا و نفاق) برای خدای یکتا است».

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ﴾ [البينة: ۵].

۱- مسلم.

۲- مسلم.

«و فرمان نیافتند جز آنکه خدا را - در حالی که پرستش را برای او خالص ساخته‌اند با پاکدلی (دین ورز به آیین ابراهیمی) - بپرستند و نماز بر پا دارند و زکات بپردازند و این است آیین راستین».

و دلیل از سنت پیغمبر ﷺ حدیث صحیح و ثابت که أبوهریره رضی الله عنه از رسول الله ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: «أَسْعَدُ النَّاسِ بِشَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، خَالِصًا مِنْ قَلْبِهِ أَوْ نَفْسِهِ»^۱.

«خوشبختترین و سعادتمندترین مردم به شفاعت من روز قیامت کسانی هستند که بگویند: معبودی بر حق غیر از خدای یکتا نیست، و این گواهی خالص از قلب و جانش باشد».

و در صحیح عتبان بن مالک رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ عَلَى النَّارِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. يَبْتَغِي بِدَلِكِ وَجَهَ اللَّهِ»^۲.

«هر آئینه خداوند حرام کرده بر آتش کسی را که بگوید: معبودی بر حق بجز خدای یکتا نیست، و با این سخن خود رضای خداوند را می‌طلبد».

إمام نسائی در کتاب: «عمل اليوم و الليلة» از دو نفر از صحابه رضی الله عنهم روایت می‌کنند که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «من قال لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير مخلصاً بها قلبه، يصدق

۱- بخاری.

۲- مسلم.

بها لسانه، إِلَّا فَتَقَ اللَّهُ لَهَا السَّمَاءَ فَتَقًا حَتَّى يَنْظُرَ إِلَى قَائِلِهَا مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ، وَحَقَّ لِعَبْدٍ نَظَرَ اللَّهِ إِلَيْهِ أَنْ يُعْطِيَهُ سَوْلَهُ»^۱.

«هر کسی که گفت: هیچ معبودی بر حق غیر از خدای یکتا نیست، و او بر هیچ شریکی ندارد، و برای اوست ملک جهانیان و حمد و ستایش، و او بر همه چیز قادر است، در حالیکه گفته‌اش به آن خالصانه از قلب او باشد، و زبان او بر آن تصدیق کند، خداوند آسمان را شکافته تا به گوینده این کلمات که از مردم زمین است بنگرد، و خوشا به کسی که خدا به او نگاه کند، که اگر از او سؤال و دعائی کند خداوند به او عطا می‌فرماید».

و دلیل صدق و راستگویی : خداوند می‌فرماید: ﴿أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴿۲﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِينَ ﴿۳﴾﴾ [العنکبوت: ۲-۳].

«آلم این حروف اشاره به اسماء و یا اسرار بین خدا و رسول خداست و تفسیر زیادی در این کلمه آمده است. آیا مردم می‌پندارند که رها می‌شوند به (مجرد) آنکه بگویند: ایمان آورده ایم و آنان آزموده نمی‌شوند. و به راستی کسانی را که پیش از آنان بودند، آزمودیم. پس البته خداوند آنان را که راست گفتند معلوم می‌دارد و دروغگویان را (نیز) معلوم خواهد داشت».

و در حدیث صحیح معاذ بن جبل رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند که فرمودند: «مَا مِنْ أَحَدٍ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صِدْقًا مِنْ قَلْبِهِ إِلَّا حَرَّمَهُ اللَّهُ عَلَى النَّارِ»^۲.

۱- ابن رجب.

۲- متفق علیه.

«هرکس گواهی دهد که معبودی بحق جز خدای یکتا نیست و محمد بنده و فرستادهٔ خداست، و این گواهی صادقانه و از قلب او باشد، خداوند آتش جهنم را بر او حرام می‌گرداند».

و دلیل دوستی و محبت:

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ [البقرة: ۱۶۵].

«و از مردم کسانی هستند که به جای خدا همتیانی را (برای او) برمی‌گیرند که آن‌ها را مانند دوست داشتن خدا دوست می‌دارند - و مؤمنان در دوستی خدا قوی‌ترند».

و همچنان خداوند می‌فرماید: ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَن يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [المائدة: ۵۴].

«ای مؤمنان. هرکس از شما که از دینش برگردد (بداند که) خداوند گروهی را در میان خواهد آورد که آنان را دوست می‌دارد و (آنان نیز) او را دوست می‌دارند. (قومی که) بر مؤمنان فروتن و بر کافران درشتخویند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای نمی‌هراسند».

أنس بن مالک رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند که فرمودند: «ثَلَاثٌ مِّنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا

سَوَاهِمَا ، وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ ، وَأَنْ يَكْرَهُ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُقَدَّفَ فِي النَّارِ^۱ .

«سه چیز است که اگر در انسان باشند شیرینی ایمان را درک می‌کند: اینکه خدا و رسول او محبوبتر از همه چیز باشد، و اینکه مردم را فقط برای خدا و رضا و خشنودی او دوست بدارد، و اینکه از برگشتن به کفر بعد از آنکه خداوند او را از آن نجات داده نفرت داشته باشد، همچنانکه از پرتاب شدن و انداختن خودش در آتش نفرت دارد».

دلیل انقیاد و تسلیم شدن: خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلُمُوا﴾ [الزمر: ۵۳].

«و پیش از آنکه عذاب به شما رسد، آنگاه یاری نیابید به سوی پروردگارتان باز آید و در برابر او تسلیم شوید».

و خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ﴾ [النساء: ۱۲۵].

«و چه کسی نیک آیین‌تر است از کسی که نیکوکارانه روی خویشتن به سوی خدا نهاد (یعنی راه فرمانبری خدا و إخلاص برای او در پیش گرفت)».

و خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ [لقمان: ۲۲].

«و هرکس نیکوکارانه روی (دل) خویش به سوی خداوند آورد، بداند که به دست آویزی استوار چنگ زده است».

و همچنین می‌فرماید: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِيْٓ أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ ﴿٦٥﴾
[النساء: ۶۵].

«سوگند به پروردگارت، (در حقیقت) ایمان نیاورند مگر آنکه در اختلافی که بین آنان درگرفت، تو را داور کنند. آنگاه از آنچه حکم کردی در خود هیچ دلتنگی نیابند و کاملاً گردن نهند».

و در حدیث رسول الله ﷺ فرمودند: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِ»^۱.

«هیچکس از شما مؤمن نمی‌شود تا اینکه هوی و هوس و دوستی او تابع و موافق آنچه من آورده‌ام نباشد».

و این منتهای انقیاد و تسلیم شدن می‌باشد.

دلیل قبول کردن و تسلیم شدن به حقوق آن: خداوند می‌فرماید: ﴿وَكَذٰلِكَ مَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ اِلَّا قَالُ مُتْرَفُوهَا اِنَّا وَجَدْنَا اٰبَاءَنَا عَلٰى اُمَّةٍ وَاِنَّا عَلٰى اٰثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ﴾ ﴿٢٣﴾ ﴿قَالَ اَوْلَوْ جِئْتُكُمْ بِاٰهْدٰى مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ اٰبَاءَكُمْ قَالُوْا اِنَّا بِمَا اُرْسَلْتُمْ بِهِء كٰفِرُوْنَ﴾ ﴿٢٤﴾ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكٰذِبِيْنَ﴾ ﴿٢٥﴾ [الزخرف: ۲۳-۲۵].

«و همچنین پیش از تو در هیچ شهری هشدار دهنده‌ای نفرستادیم مگر آنکه نعمت یافتگانش گفتند: ما پدرانمان را (پایبند) به آیینی یافته ایم و بی‌گمان بر رد و نشان آنان اقتدا می‌کنیم. بگو: آیا(به پیروی از پدرانتان پایبند می‌مانید) هر چند برایتان هدایت کننده‌تر از آنچه پدرانتان را بر آنان

یافته اید، آورده باشیم؟ گفتند: ما به آنچه به آن رسالت یافته‌اید، ناباوریم. آنگاه از آنان انتقام گرفتیم، پس بنگر سرانجام دروغ انگاران چگونه بود؟».

خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٣٥﴾ وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَارِكُوا إِلَهَ تِنَّا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ ﴿٣٦﴾﴾ [الصافات: ۳۵-۳۶].

«آنان (چنان) بودند که چون به آنان گفته می‌شد: معبود حقی جز خداوند (یگانه) نیست، سرکشی می‌کردند. و می‌گفتند: آیا ما معبودانِ خویش را به خاطر (سخن) شاعری دیوانه ترک گوییم؟».

و ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَثَلُ مَا بَعَثَنِي اللَّهُ بِهِ مِنَ الْهُدَى وَالْعِلْمِ كَمَثَلِ الْعَيْثِ الْكَثِيرِ أَصَابَ أَرْضًا، فَكَانَ مِنْهَا نَقِيَّةٌ قَبْلَتِ الْمَاءَ، فَأَنْبَتَتِ الْكَلَأَ وَالْعُشْبَ الْكَثِيرَ، وَكَانَتْ مِنْهَا أَجَادِبُ أَمْسَكَتِ الْمَاءَ، فَفَنَعَ اللَّهُ بِهَا النَّاسَ، فَشَرِبُوا وَسَقَوْا وَزَرَعُوا، وَأَصَابَتْ مِنْهَا طَائِفَةٌ أُخْرَى، إِنَّمَا هِيَ قِيعَانٌ لَا تُمْسِكُ مَاءً، وَلَا تُنْبِتُ كَلَأً، فَذَلِكَ مَثَلُ مَنْ فَقِهَ فِي دِينِ اللَّهِ وَنَفَعَهُ مَا بَعَثَنِي اللَّهُ بِهِ، فَعَلِمَ وَعَلَّمَ، وَمَثَلُ مَنْ لَمْ يَرْفَعْ بِذَلِكَ رَأْسًا، وَلَمْ يَقْبَلْ هُدَى اللَّهِ الَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ»^۱.

«مثال آنچه خداوند مرا بر آن مبعوث فرموده از هدایت و علم و دانش همانند باران زیادی است که بر زمین باریده بعضی از آن زمین پاک و قابل کشت بوده، پس از این باران استفاده کرده و علف و گیاهان زیادی می‌رویند، و بعضی دیگر خشک و بی‌حاصل ولی آب را نگه می‌دارد که مردم نفع برده از آن برای آشامیدن انسانی و حیوانی و زراعت استفاده می‌شود، و بعضی از آن زمین شوره زار بوده که نه آب را نگه می‌دارد و نه علف و گیاهی می‌رویند، و آن مثال کسی است که علم شریعت آموخته و از آن علم نفع و

سود یافته و به دیگران نیز آموخته، و مثال کسی که به آن علم بی‌اعتنائی کرده و دانش و راه مستقیمی که خداوند مرا با آن مبعوث فرموده قبول نکرده است.»

نواقض اسلام

بدانکه نواقض اسلام ده چیز است:

اول: شرک آوردن در عبادت خدای یکتا و برای او شریک قائل شدن. خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ [النساء: ۱۱۶].

«خداوند نمی‌بخشد که به او شرک آورده شود، و جز آن را برای هرکس که بخواهد، می‌آمزد.»

و می‌فرماید: ﴿مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ [المائدة: ۷۲].

«بی‌گمان کسی که به خداوند شرک آورد، خداوند بهشت را بر او حرام می‌گرداند و جایگاهش آتش (دوزخ) است، و ستمکاران یاورانی ندارند.» و از جمله شرک در عبادت خداوند متعال دعا کردن مردگان و طلب مدد خواستن از آن‌هاست، و همچنین نذر کردن و ذبح و قربانی برای آن‌هاست.

دوم: کسیکه بین خود و بین خدا واسطه قرار دهد و از آن واسطه چیزی بخواهد (یعنی دعای خود را متوجه او سازد) و از او شفاعت بطلبد و بر او توکل کند، چنین اشخاصی اجماع علماء و دانشمندان اسلام بر کفر آنان است.

سوم: کسیکه مشرکان را کافر نداند، و یا اینکه در کفر آن مشرکان شک و تردید داشته باشد، و یا اینکه مذهب آن مشرکان را صحیح بداند کافر است. چهارم: کسیکه اعتقاد داشته باشد که هدایت و دستوره‌های غیر رسول اکرم ﷺ کامل‌تر و بهتر است از هدایت و دستوره‌های رسول اکرم ﷺ، و یا اینکه بگوید حکم و قضاوت غیر رسول الله ﷺ بهتر است از حکم و قضاوت پیامبر ﷺ، مانند کسانی که حکم و قضاوت طواغیت (قوانین رسمی کشوری) را که غیر شرعی باشد بر قوانین شرعی و دینی برتری می‌دهند و این‌ها همه کافر می‌باشند.

پنجم: کسیکه به چیزی از آنچه رسول الله ﷺ برای امت اسلامی از هدایت بشری و قضاوت و حکم به قرآن و سنت آورده، بغض ورزد، اگرچه به آن حکم عمل کند، در حالیکه از آن نفرت دارد، باز هم جزو کافران می‌باشد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَلَهُمْ﴾ [محمد: ۹].

«این از آن است که آنان آنچه را که خدا نازل کرده است ناخوش داشتند، در نتیجه خداوند اعمالشان را تباه کرد.»

ششم: هر کسیکه به چیزی از دین مبین اسلام مسخره و ریشخند کند، همان دینی که رسول الله ﷺ آنرا از طرف خداوند آورده، و یا از ثواب و نیکی و پاداش آن، و یا از جزا و عقاب و کیفر آن، کافر شود.

خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ أِبَاللَّهِ وَعَآيَتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ ﴿٦٥﴾ لَا تَعْتَدِرُوا قَدَّ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ﴾ [التوبة: ۶۵-۶۶].

«بگو: آیا بخدا و آیات او و رسولش ریشخند می‌کردید؟ عذر نیاورید، به راستی که پس از ایمانتان کفر پیشه کردید».

هفتم: سحر و جادوگری و آنچه شامل آن می‌شود از قبیل طر و دستی بین دوستان و جلب آن برای دیگران و کسی که آنرا انجام دهد، و یا از آن راضی شود کافر گردد، خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ﴾ [البقرة: ۱۰۲].

«و (آن دو فرشته) به هیچ کسی (جادو) نمی‌آموختند مگر آنکه می‌گفتند: ما تنها (مایه) آموزشی هستیم، پس (با به کارگیری جادو) کافر مشو».

هشتم: پشتیبانی کردن از مشرکان و یاری کردن آنان بر ضد مسلمانان، خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَاِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [المائدة: ۵۱].

«و هرکس از شما آنانرا (یهود و نصاری) دوست گیرد، براستی که خود از آنان است، بی‌گمان خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند».

نهم: کسیکه معتقد باشد که بعضی از مردم می‌توانند از شریعت و دین محمد ﷺ خارج شوند کافر می‌باشد.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [آل عمران: ۸۵].

«و هرکس دینی جز اسلام بجوید، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است».

دهم: روی گردانی و اعراض نمودن از دین خدا و نیاموختن اسلام و عمل نکردن به آن.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ﴾ [السجده: ۲۲].

«و کیست ستمکارتر از کسی که به آیات پروردگارش پند یابد، آنگاه از آن روی بگرداند، بی‌گمان ما از گناهکاران انتقام خواهیم گرفت.»

و در تمامی این نواقض و مخالفت‌ها بین اینکه انسان جدی باشد و یا اینکه شوخی کند و یا از انجام آن بترسد، هیچ فرقی وجود ندارد، مگر کسیکه مکره یعنی مجبور شود به انجام آن عمل در حالیکه او راضی نیست. و همه این‌ها از گناهان کبیره است که ممکن است مردم در آن واقع گردند.

پس بر مسلمان لازم است از آن‌ها بر حذر باشد و بترسد از اینکه در این گناهان بیفتد و باید از آن اجتناب و دوری ورزد. پروردگارا! ما از خشم و غضب و عقاب دردناک تو، به تو پناه می‌بریم.

توحید بر سه نوع است:

نوع اول: توحید ربوبیت: و آنهم توحیدی است که کفار قریش در زمان پیامبر ﷺ به آن اقرار و اعتراف داشتند، ولی با اینحال اقرارشان آنان را در اسلام داخل نکرد، بلکه رسول الله ﷺ با آنان در راه خدا به جنگ پرداختند، و جان و مال آنان را حلال فرمودند. و این توحید باری تعالی در افعال و اعمال اوست.

خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾ [يونس: ۳۱].

«بگو: چه کسی از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد؟ یا کیست که حاکم بر گوش و دیدگان است؟ و کیست که زنده را از مرده بیرون می‌آورد، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ و کیست که کار (هستی) را تدبیر می‌کند؟ خواهند گفت: خدا. پس بگو: آیا پروا نمی‌کنید؟».

نوع دوم: توحید ألوهیت: و آنهم توحیدی است که در آن، در زمان قدیم و در حال حاضر اختلاف شده است، و آن توحید خداوند است که افعال و اعمال بندگان را بیان می‌کند، مانند: دعاء و نذر و قربانی و امید و آرزو و وحشت و توکل و شوق و میل و ترس و بیم و رجوع و إنابت، و هر کدام از این عبادت‌های بالا دلیلی از قرآن بر آن وارد شده است.

نوع سوم: توحید ذات و صفات و نام خدا

خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝۱ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝۲ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝۳﴾ [الاخلاص: ۱-۴].

«بگو: خداوند یگانه است. خداوند بی‌نیاز است. نه (فرزند) زاده، و نه زاده شده است. و هیچ کس همتای او (نبوده) و نیست».

و همچنین می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا ۚ وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۰].

«و خداوند نام‌های نیک دارد. پس به آن (نام‌ها) او را به (دعا) بخوانید، و آنان را که در نام‌هایش کجروی می‌کنند، رها کنید، (سزای) آنچه را می‌کردند، خواهند دید».

و می‌فرماید: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ۚ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۱].

«چیزی مانند او نیست. و او شنوای بیناست».

ضد توحید شرک است:

و آنها هم بر سه نوع تقسیم می‌شود:

۱- شرک اکبر.

۲- شرک اصغر.

۳- شرک خفی و پنهانی.

شرک اکبر خداوند گناه او را نمی‌بخشد و هیچ عمل صالح و نیک را با آن قبول نمی‌کند.

خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ۱۱۶].

«خداوند نمی‌بخشد که به او شرک آورده شود و جز آن را برای هرکس که بخواهد، می‌آمرزد، و هرکس به خداوند شرک آورد، به گمراهی دور و درازی گرفتار آمده است».

و می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَبْنِي إِسْرَائِيلَ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ [المائدة: ۷۲].

«به راستی کسانی که گفتند: خداوند همان مسیح فرزند مریم است، کافر شدند، حال آنکه (خود) مسیح گفته بود: ای بنی اسرائیل، خدا را که پروردگار من، و پروردگار شماست، بپرستید. بی‌گمان کسی که به خداوند شرک آورد، خداوند بهشت را بر او حرام می‌گرداند و جایگاهش آتش (دوزخ) است. و ستمکاران یاورانی ندارند».

و همچنین می‌فرماید: ﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا﴾ [الفرقان: ۲۳].

«و به هرگونه کاری که کرده‌اند، می‌پردازیم. سپس آن را (چون) غبار بر باد رفته گردانند.»

و می‌فرماید: ﴿لَيْنٌ أَشْرَكَتْ لِيَحْبِطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَسِرِينَ﴾ [الزمر: ۶۵].

«اگر شرک آوردی، بی‌گمان عملکردت نابود شود. و به یقین از زیانکاران شوی.»

و همچنین می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأنعام: ۸۸].

«و اگر شرک می‌ورزیدند، آنچه را که کرده بودند، از (نامه اعمال) آنان زدوده می‌شد.»

شرک اکبر بر چهار نوع تقسیم می‌شود

۱- شرک دعاء و طلب غیر از خدا یعنی: برای حل مشکلات و قضای حاجات.

خداوند می‌فرماید: ﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِّكَ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيْنَاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ﴾ [العنكبوت: ۶۵].

«پس چون در کشتی‌ها سوار شوند، خداوند را - در حالی که دین (خود) را برای او خالص می‌دارند - به دعا خوانند، پس چون آنان را (با آوردن) به خشکی رهایی بخشید، آن هنگام است که آنان شرک می‌آورند.»

۲- شرک در نیت و إرادت و قصد و مقصود.

خداوند می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَلَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ ﴿١٥﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِطِلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾﴾ [هود: ۱۵-۱۶].

«هرکس که زندگانی دنیا و تجمل آن را خواسته باشد، (پاداش) کارهایشان را در آنجا برایشان به تمام و کمال می‌رسانیم و آنان در آنجا کاستی نبینند. اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش (جهنم) ندارند و آنچه در آنجا (دنیا) کرده بودند، بر باد رفته و آنچه را که انجام می‌دهند باطل است.»

۳- شرک در اطاعت:

خداوند می‌فرماید: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣١﴾﴾ [التوبة: ۳۱].

«احبار و رهبانان را به جای خداوند، به خدایی گرفته‌اند. و (نیز) مسیح بن مریم (را به خدایی گرفته‌اند) حال آنکه فرمان نیافته‌اند مگر آنکه معبود یگانه را بندگی کنند. معبود (حقی) جز او نیست. او از آنچه شرک می‌آورند، (بس) پاک (و منزّه) است.»

تفسیر این آیه که در آن اشکالی نیست چنین می‌باشد: [عدم اطاعت علماء و زهاد و عبّاد در معصیت خدا، و عدم دعای آن‌ها، چنانکه رسول الله ﷺ آنرا برای عدی بن حاتم رضی الله عنه تفسیر نمودند وقتی که از آن حضرت سؤال کرد که: ما آنان را نمی‌پرستیم! آن حضرت در جواب فرمودند: اطاعت آنان در معصیت خداوند عبادت گفته می‌شود].

۴- شرک در محبت و دوستی.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ﴾ [البقرة: ۱۶۵].^۱

نوع دوم، شرک اصغر که آنرا ریاء می‌گویند

خداوند می‌فرماید: ﴿فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ [الکهف: ۱۱۰].

«پس کسی که به لقای پروردگارش امیدوار است باید که کار پسندیده ای انجام دهد و در پرستش پروردگارش کسی را شریک نیاورد».

نوع سوم از انواع شرک، شرک خفی است

و آنها هم شرک پنهان و غیر آشکار گفته می‌شود.

رسول الله ﷺ می‌فرماید: «الشرك في هذه الأمة أخفى من ديب النملة السوداء على صفاة سوداء في ظلمة الليل»^۲.

«شرک در این امت محمدی مخفی‌تر از راه رفتن مورچه ای سیاه رنگ که بر تخته سنگ سیاهی در تاریکی شب بحرکت می‌آفتد، می‌باشد».

و کفار و جبران این شرک، یعنی شرک مخفی و پنهانی حدیث رسول الله ﷺ است که می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَشْرِكَ بِكَ شَيْئًا وَأَنَا أَعْلَمُ وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنَ الذَّنْبِ الَّذِي لَا أَعْلَمُ»^۱.

۱- تفسیر آن قبلاً ذکر شد.

۲- ابن کثیر در تفسیر ۵۷/۱.

«پروردگارا! من بتو پناه می‌برم اگر بتو شرک ورزم در حالی که می‌دانم، و از تو طلب بخشش می‌طلبم از گناهی که نداسته انجام می‌دهم.»

کفر بر دو نوع تقسیم می‌شود

أولاً: کفری که انسان را از دین و دایرة اسلام خارج می‌کند، و آن پنج نوع است:

اول: کفر تکذیب خدا و رسول او.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ ۗ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾﴾ [العنكبوت: ۶۸].

«و کیست ستمکارتر از کسی که بر خداوند دروغ بزند، یا حق را چون به سوی او آید، دروغ انگارد. آیا جایگاه کافران در جهنم نیست؟»

دوم: کفر عدم قبول حق و تکبر و غرور کردن، با دانستن و معرفت آن.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٣٤﴾﴾ [البقرة: ۳۴].

«و چون به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، پس (همه) سجده کردند مگر ابلیس که نپذیرفت و کبر ورزید و از کافران شد.»

سوم: کفر شک و تردید و ظن.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ ۗ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا ﴿٣٥﴾ وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقَلَبًا ﴿٣٦﴾﴾ قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ ۗ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ

مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّلَكَ رَجُلًا ﴿۳۸﴾ لَكِنَّمَا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿۳۹﴾ [الكهف: ۳۵-۳۸].

«و در حالی که به خویشتن ستمکار بود به باغش در آمد. گفت: گمان نمی‌کنم که این (باغ) هیچگاه نابود شود. و گمان نمی‌کنم که قیامت بر پا شود، و اگر (هم) به سوی پروردگارم بازگردانده شوم، بی‌گمان بازگشتی بهتر از آن‌ها خواهم یافت. همنشینش در حالی که با او گفتگو می‌کرد به او گفت: آیا به کسی کفر می‌ورزی که تو را از خاک، آنگاه از نطفه آفرید، سپس تو را انسانی (کامل) ساخت. ولی من (باور دارم) که او خداوند، پروردگار من است و کسی را با پروردگارم شریک نمی‌سازم».

چهارم: کفر روی گردانی (ابا) از دین.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُذِرُوا مُعْرِضُونَ﴾ [الأحقاف: ۳].
«و کافران از آنچه هشدار یافتند، روی گردانند».

پنجم: کفر نفاق.

خداوند می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطَبَعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ﴾ [المنافقون: ۳].

«این از آن است که آنان ایمان آوردند، سپس کفر ورزیدند، و بر دل‌هایشان مهر نهاده شد، پس آنان در نمی‌یابند».

یعنی: ایمان به زبان آوردند، و با دل خود کافر شدند.

ثانیاً: - کفری که انسان را از دین اسلام خارج نمی‌کند و آنهم کفر نعمت است.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿۱۱۲﴾ [النحل: ۱۱۲].

«و خداوند (درباره) شهری مثالی بیان نمود که ایمن آسوده بود، روزی اش به فراخی از هرجا می‌رسید آنگاه (اهلش) به نعمت‌های خداوند ناسپاسی کردند، پس خداوند به (سزای) کار و کردارشان بلای فراگیر گرسنگی و ترس را به (اهل) آن چشانده.»

نفاق بر دو نوع تقسیم می‌شود

- اول: نفاق اعتقادی . دوم: نفاق عملی.
- نفاق اعتقادی شش قسمت است.
- و صاحب این نفاق‌ها در پایین‌ترین نقطه از جهنم خواهد بود.
- ۱- کسی که رسول الله ﷺ را تکذیب کند.
 - ۲- کسی که بعضی از آنچه رسول الله ﷺ آورده تکذیب نماید.
 - ۳- کسی که از رسول الله ﷺ نفرت داشته باشد.
 - ۴- کسی که از بعضی از چیزهایی که رسول الله ﷺ از نزد خداوند آورده است، نفرت داشته باشد.
 - ۵- خوشحالی به کاسته شدن دین مبین اسلام و طرفداران آن.
 - ۶- نفرت داشتن از پیروزی اسلام بر کفر.
- نفاق عملی: نفاق عملی پنج قسمت است.

رسول الله فرمودند: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ»^۱.

وفي رواية: «إِذَا خَاصَمَ فَجَرَ وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ»^۲.

«علامت منافق سه چیز است: هنگام سخن گفتن دروغ می گوید، و اگر وعده دهد، وعده خلافی می کند و به وعده اش عمل نمی کند، و اگر به او امانت سپرده شود خیانت می کند - و در روایتی دیگر - اگر خصومت نماید فجور (بد و بیراه) می گوید، و اگر عهد و پیمانی با کسی ببندد، عهد شکنی و خیانت می کند».

معنای طاغوت و انواع اصلی آن

ای برادر بدان که اولین چیزی که خداوند بر بنی آدم فرض نمود کفر به طاغوت و ایمان به خدای یکتا است.

خداوند می فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَأَجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» [النحل: ۳۶].

«به یقین در (میان) هر امتی رسولی را برانگیختیم، (با این دعوت) که: خداوند را بندگی کنید و از طاغوت بپرهیزید».

أما صفت و کیفیت کفر به طاغوت: باطل دانستن عبادت غیر خدا و ترک آن عبادت، و نفرت داشتن از آن و کافر دانستن کسی که چنین کاری را انجام می دهد و دشمنی کردن با او، این معنی کفر به طاغوت است.

۱- متفق علیه.

۲- متفق علیه.

و ایمان به خدا: معتقد بودن به خدای یکتایی که هیچ شریکی ندارد، و تمام عبادت‌ها را خالصاً برای رضای او انجام دادن، و غیر از او هیچ معبود دیگری را نپرستیدن، و یکتا پرستان را دوست داشتن، و از آنان پشتیبانی کردن، و از مشرکان نفرت داشتن، و با آنان دشمنی کردن، و این همان دین ابراهیم علیه السلام است و کسی که از دین ابراهیم علیه السلام روی گرداند نادان و دیوانه و احمق است، و پیروی از دین ابراهیم علیه السلام همان آسوه و قدوهٔ حسنه و نیک است، خداوند می‌فرماید: ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ﴾ [الممتحنة: ۴].

«به راستی که برایتان در ابراهیم و آنان که با او همراه بودند، سرمشقی نیکوست چون به قوم خود گفتند: ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم. به شما ناپاور شده‌ایم، و بین ما و شما برای همیشه دشمنی و کینه پدید آمده است، تا اینکه تنها به خداوند ایمان آورید.» و طاعت اسمی عام است که: هر آنچه را که غیر از خداوند عبادت شود، و او به این عبادت راضی باشد، و در جهت اطاعت خدا و رسول خدا نباشد شامل می‌شود.

طاعت‌ها انواع زیادی‌اند، و سران طاعت پنج چیزاند.

اول: شیطان: که به سوی عبادت غیر از خدای یکتا دعوت می‌کند، خداوند می‌فرماید: ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَبْنَیَّ ءَادَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ [یس: ۶۰].

«ای فرزندان آدم، آیا به حکم نکرده بودم که شیطان را نپرستید. که او برایتان دشمن آشکار است.»

دوم: حاکم و پادشاه ظالم و ستمکار که حکم خدا را تغییر می دهد.

خداوند می فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ ۗ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿٦٠﴾ [النساء: ۶۰].

«آیا به کسانی که گمان می برند که آنان به آنچه به سوی تو فرو فرستاده شده، و آنچه پیش از تو فرو فرستاده شده است، ایمان آورده اند، ننگریسته ای؟ می خواهند که به طاغوت حکم برند، حال آنکه فرمان یافته اند که به او کفر ورزند، و شیطان می خواهد که آن ها را به گمراهی ای دور و دراز افکند.»

سوم: کسی که به غیر از حکم خدا قضاوت نماید.

خداوند می فرماید: ﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ [المائدة: ۴۴].

«هرکس که به آنچه خداوند نازل کرده است حکم نکند، ایانند که کافرند.»

چهارم: کسی که ادعای علم غیب می کند.

خداوند می فرماید: ﴿عَلِمَ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ﴿٢٦﴾ إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ﴿٢٧﴾﴾ [الجن: ۲۶-۲۷].

«(پروردگارم) دانای غیب است. و کسی را بر غیبِ خویش آگاه نمی‌سازد. مگر کسانی از رسولانی را که خود بیسندد. که او پیشاپیش و پشتِ سر او نگهبانی رهسپار می‌کند».

و همچنین می‌فرماید: ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظِلْمَةٍ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿۵۹﴾ [الأنعام: ۵۹].

«و کلیدهای غیب به نزد اوست. جز او (کسی) از آن آگاه نیست و می‌داند آنچه را که در بیابان و دریاست، و هیچ برگ‌گی (از درخت) نمی‌افتد مگر آنکه آن را می‌داند و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین (نمی‌افتد) و نه هیچ‌تر و خشکی مگر آنکه در کتابی روشن (نوشته) است».

پنجم: کسی که او را بغیر از خدا عبادت می‌کنند، و او به آن عبادت راضی است.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِّنْ دُونِهِ فَذَلِكِ نَجْرِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿۲۹﴾ [الأنبياء: ۲۹].

«و هرکس از آنان که بگوید: من به جای او خدا هستم، جهنم را سزای او می‌گردانیم. بدینسان به ستمکاران سزا می‌دهیم».

و بدانکه انسان نمی‌تواند مؤمن به خدا شود تا زمانی که به طاغوت کفر نوزد.

خداوند می‌فرماید: ﴿فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۵۶﴾ [البقرة: ۲۵۶].

«پس هرکس که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، (بداند) که به دستاویزی (بس) محکم چنگ زده است (که) آن گسستنی ندارد. و خداوند شنوای داناست».

بدانکه رشد و هدایت دین محمد ﷺ است، و گمراهی دین أبوجهل است، و رشته استوار و محکم شهادت أن لا إله إلا الله است، یعنی: گواهی دادن که معبودی بحق جز خدای یکتا نیست، که متضمن نفی و اثبات می‌باشد، تمامی أنواع عبادت غیر از خدا را نفی می‌کند، و تمامی أنواع عبادت را فقط برای خدای یکتا اثبات می‌کند.

والحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات